

بازشناسی شخصیت و جایگاه علمی داود بن کثیر رقی بر پایه روایات و تعامل فقیهان

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱

حسین محققیان^۱
محمد کاظم رحمان ستایش^۲
محمد صادق بخشی جویباری^۳

چکیده

شناخت یک راوی از طریق روایات وی و نوع تعامل فقیهان با روایت او، قرینه دست‌یابی به توثیق و تضعیف آن راوی می‌شود. داود بن کثیر رقی در ۸۸ سند از احادیث کتب اربعه واقع شده است. همچنین روایات فراوانی در کتاب‌های شیخ صدوق و دیگر منابع روایی دارد. توثیق و تضعیف رقی نزد رجالیان مورد اختلاف است. اکثر فقها در عمل، روایات رقی را پذیرفته‌اند و برخی او را ضعیف دانسته‌اند. با بررسی شخصیت و ارتباط رقی با معصومان علیهم‌السلام می‌توان تصویر کامل و صحیحی از او ترسیم کرد که در پرتو آن توثیق رقی مسجل می‌شود. همچنین اکثر روایات‌های فقهی رقی به دلیل داشتن قراین خارجی مورد پذیرش فقها قرار گرفته است و در موارد خاص به دلیل قوت معارض، روایت‌های رقی مورد مناقشه است. بیشتر روایات رقی از طریق حسن بن محبوب انتقال یافته است که انتقال از مکتوب را قوت می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: الرقی، غلات، تعارض روایات، شخصیت‌شناسی، جرح و تعدیل.

۱. پژوهش‌گر پژوهشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mohgeg@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قم (kr.setayesh@gmail.com).

۳. پژوهش‌گر حوزه علمی قم (bakhshi.sadeg@gmail.com).

بهره‌مندی از حدیث نیازمند احراز اعتبار آن از جهت صدور و دلالت است. اطمینان به صدور احادیث نیز مبتنی بر چند امر، از جمله شناخت احوال تک‌تک راویان یک سند و طریق است. دردانش حدیث این مهم بر عهده علم رجال قرار گرفته است و دانشیان آن بنا بر هدف این دانش به توثیق و تضعیف بسیاری از راویان پرداخته‌اند. متأسفانه به جهت فاصله داشتن دانش رجال از تراجم به زوایای زندگی راویان اشاره نشده است و هستند راویانی که شناخت زندگی‌نامه آن‌ها در پذیرش ورد روایت‌های آن‌ها تأثیرگذار است. به همین جهت، تلاش برای کشف حقیقت و بازشناخت شخصیت‌های تأثیرگذار در عرصه حدیث، به خصوص اگر مورد اختلاف باشند، امری ضروری است. «داود بن کثیر الرقی» یکی از این شخصیت‌ها است. درباره داود بن کثیر رقی دو قول وثاقت و ضعف به دلیل غلو از بزرگان دانش رجال نقل شده است.

در شخصیت‌شناسی و جمع‌بندی اقوال علما درباره داود بن کثیر رقی اثر علمی مستقلی یافت نشد؛ هر چند فقیهان و رجالیان به مناسبت، درباره این راوی مطالبی را بیان کرده‌اند. همچنین مقاله‌ای با عنوان «داود رقی و سهم او در ترویج علوم و معارف شیعی»^۴ نگاشته شده است که بیشتر به صورت فهرستی به معرفی شخصیت و بررسی احادیث کلامی رقی پرداخته است. نگاشته پیش‌رو، سعی بر آن دارد که با نگاهی کوتاه به دوران حیات و شخصیت علمی و حدیثی رقی، قضاوت‌های متفاوتی را که درباره او بیان شده است، جمع‌بندی و تحلیل کند. اساس این تحقیق پس از تبارشناسی و بررسی حیات علمی و ارتباط او با معصومان علیهم‌السلام بر بررسی توثیق و تضعیف رجالیان و اقبال و ادبار فقیهان شیعه به روایات او قرار دارد. همچنین در پایان با ترسیم نمودار اشاره‌ای به طرق اسناد رقی در کتب اربعه شده است.

نخست: تبارشناسی

در بخش نخست، به تبارشناسی راوی، اعم از نام و نسب و تاریخ ولادت و وفات پرداخته می‌شود. هدف از این بخش معرفی شناسنامه‌ای روای مورد بحث است.

۴. نوشته دکتر محمود کریمی و سعید طاووسی مسرور، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۲ ش.

الف. نام و نسب

نام «داود»، کنیه «ابا سلیمان»، نام پدر «کثیر» با کنیه «ابا خالد»، ملقب به «الرقی» است.^۶ رقه در لغت به معنای هرزمینی است که آب در آن پهن می‌شود و خاک حاصل خیز دارد و نام شهری است در کنار رود فرات^۷ که در نزدیکی آن جنگ صفین اتفاق افتاده است؛^۸ در رجال راویان متعددی با این کنیه ذکر شده‌اند.^۹ رقی^{۱۰} به جهت سکونت در این شهر به این نام شده است^{۱۱} و خود و فرزندانش در آن سکونت داشته‌اند.^{۱۲} نجاشی و شیخ طوسی کنیه جدش را «ابا خلد» نقل کرده‌اند.^{۱۳} از رقی با عنوان «مولا بنی اسد» یاد شده است،^{۱۴} برقی در شمارش اصحاب امام صادق علیه السلام از وی با کنیه کوفی نیز یاد می‌کند.^{۱۵} همچنین او را به لقب جمّال وصف کرده است.^{۱۶}

بجز همسر رقی - که در رجال های برقی و شیخ طوسی در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده شده است^{۱۷} - راوی منتسب دیگری به وی شناخته شده نیست؛ هر چند در طرق روایی افراد زیر منسوب به رقی هستند.

۱. محمد بن الفضل بن بنت داود الرقی: از امام صادق علیه السلام یک روایت در تهذیب الاحکام

۵. رک: قرب الإسناد، ص ۳۹۴ ح ۱۳۸۴.

۶. رک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰؛ رجال الطوسی، ص ۲۰۲، ش ۲۵۶۷.

۷. رک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۸.

۸. رک: حدود العالم، ص ۱۶۲.

۹. رک: رجال الطوسی، ص ۳۶۰ ش ۵۳۲۹؛ ص ۴۰۰، ش ۵۸۶۷ و ص ۴۱۰، ش ۵۹۵۲.

۱۰. در ادامه این نوشتار از عنوان رقی در یادکرد این راوی استفاده می‌شود.

۱۱. رک: جمهره انساب العرب، ص ۳۰۲.

۱۲. رک: تاریخ الرقة، ج ۱، ص ۱۵۰.

۱۳. رک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰؛ رجال الطوسی، ص ۲۰۲، ش ۲۵۶۷.

۱۴. رجال الطوسی، ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳؛ رجال ابن الغضائری، ص ۵۸؛ رجال البرقی، ص ۴۷؛ تهذیب المقال، ج ۵ ص ۴۳۱.

۱۵. رک: رجال البرقی، ص ۳۲ «داود الجمال ابن کثیر الرقی [کوفی]». با توجه به نقل نشدن این کنیه در دیگر منابع رجالی و این که در بعضی نسخ به صورت نسخه بدل ذکر شده است، به نظر می‌رسد که مصحف رقی باشد.

۱۶. رک: همان.

۱۷. رک: رجال الطوسی، ص ۳۲۷، ش ۴۹۱۹ با نام «الریاب»؛ رجال البرقی، ص ۶۲ با عنوان «قنواء بنت رشید الزیات».

دارد.^{۱۸}

۲. احمد بن داود بن کثیر الرقی: در یک سند از پدرش نقل روایت کرده است.^{۱۹}

ب. ولادت و وفات

سال ولادت رقی ثبت نشده است. شواهد تاریخ بیان‌گران است که وی متولد قبل از سال ۱۰۰ق، است. بنا بر روایت نعمانی در الغیبه،^{۲۰} رقی گزارشی از فعالیت زید بن علی در کوفه به امام صادق علیه السلام ارائه می‌دهد. با توجه به شروع امامت امام صادق علیه السلام در سال ۱۱۴ق، و کشته شدن زید در حدود سال ۱۲۱ق، این گزارش مربوط به همین سال‌ها است. با توجه به متن روایت و جایگاه رقی نزد امام صادق علیه السلام و خطاب امام به رقی، به نظر می‌رسد سن وی در هنگام ارائه این گزارش بیش از بیست سال است.

ابن قولویه به واسطه رقی روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.^{۲۱} شیخ طوسی نیز همین روایت را با سند کامل الزیارات از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.^{۲۲} منفرد بودن نقل و تخریج روایت در منابع دیگر، مانند مزار شیخ مفید،^{۲۳} مزار مشهدی^{۲۴} - که این روایت را به صورت مرسل از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند - و نقل مجالس شیخ طوسی^{۲۵} - که رقی با واسطه «محمد بن مارد التمیمی» این روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است - احتمال ارسال و افتادگی در سند را فزونی می‌بخشد.

شیخ طوسی و برقی وی را در شمار اصحاب امام صادق و امام کاظم علیه السلام ذکر کرده‌اند؛^{۲۶} ولی در عداد اصحاب امام رضا علیه السلام ذکر نشده است. کشی به نقل از نصر بن صباح زنده بودن رقی تا زمان امام رضا علیه السلام را تأیید می‌کند و شیخ صدوق روایت رقی را از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند. بنا بر روایت قرب الاسناد رقی در دوران امام رضا علیه السلام مدتی در زندان بوده است و امام

۱۸. رک: ج ۶، ص ۱۱۰، ح ۱۹۶.

۱۹. رک: بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۷، ح ۱۰، به نقل از آن قسمت از المجالس شیخ طوسی که چاپ نشده است.

۲۰. رک: الغیبه (نعمانی)، ص ۸۷، ح ۱۸؛ مقتضب الاثر، ص ۳۰.

۲۱. رک: کامل الزیارات، ص ۱۸۰، ح ۵.

۲۲. رک: الامالی (طوسی)، ص ۴۷، ح ۵۹.

۲۳. رک: ص ۴۳، ح ۳.

۲۴. رک: ص ۳۴۷، ح ۳.

۲۵. رک: بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۸۷، ح ۱۰، به نقل از آن قسمت از المجالس شیخ طوسی که چاپ نشده است.

۲۶. رک: رجال الطوسی، ص ۲۰۲، ش ۲۵۶۷ و ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳؛ رجال البرقی، ص ۳۲ و ص ۴۷.

به جهت رهایی او دعا کرده است.^{۲۷} بنا بر نقل نجاشی وفات رقی اندکی بعد از شهادت امام رضا علیه السلام (۲۰۳ ق)، یعنی پس از سال دویست هجری است.^{۲۸}

دوم: ارتباط با معصومان علیهم السلام

منابع روایی و یا تاریخی موجود در ارتباط با رقی اطلاعات و گزارش هایی ثبت نکرده اند تا بتوان بر این اساس به داده پردازی کاملی از او پرداخت. در ادامه بر اساس بعضی متون روایی به شیوه ارتباط رقی با معصومان علیهم السلام اشاره می شود.

الف. رقی در دوران امام صادق علیه السلام

شیخ طوسی و برقی در شمارش اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «داود بن کثیر الرقی» اشاره کرده اند؛ همچنین چنان که گذشت شیخ طوسی و برقی همسر رقی را نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی کرده اند.^{۲۹} چنان که در فصل های بعد خواهد آمد، اکثریت روایت های رقی از امام صادق علیه السلام است. رجال الکشی با نقل دوروایت جایگاه رقی را نزد امام صادق علیه السلام وصف کرده است.

نخست. امام صادق علیه السلام او را همانند اصحاب امام زمان علیه السلام معرفی می کنند. امام در حالی که رقی می رفت، فرمود:

هرکس دوست دارد به یکی از اصحاب قائم علیه السلام نگاه کند، به این فرد بنگرد.^{۳۰}

بنا بر این روایت رقی یکی از رجعت کنندگان زمان حضور امام زمان علیه السلام خواهد بود.

دوم. جایگاه او نزد امام صادق علیه السلام همانند جایگاه مقداد برای پیامبر صلی الله علیه و آله است:

جایگاه داود رقی را نزد من، همانند جایگاه مقداد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهید.^{۳۱}

در وجه شباهت این روای به مقداد می توان گفت همان گونه که مقداد در فتنه ها و حوادث

۲۷. رک: قرب الاسناد، ص ۳۹۴، ح ۱۳۸۴.

۲۸. رک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۲۹. رک: رجال الطوسی، ص ۳۲۷، ش ۴۹۱۹ با نام «الریاب»؛ رجال البرقی، ص ۶۲ با عنوان «قنواء بنت رشید الزیات».

۳۰. رجال الکشی، ص ۴۰۲، ح ۷۵۱.

۳۱. همان، ص ۴۰۲، ح ۷۵۰.

زمان پیامبر ﷺ موفق بود، رقی نیز در فتنه‌های زمان امام صادق علیه السلام موفق بوده است.^{۳۲} همچنین مقدار از رجعت کنندگان شمرده شده است^{۳۳} و رقی نیز این ویژگی را دارد. رقی در زمان قیام زید در کوفه بود و گزارش این قیام را به امام صادق علیه السلام داد. بنا بر این روایت، امام علیه السلام پس از تفقد از حال داود و جويا شدن علت غیبت او از احوال کوفه سؤال می‌کند. با توجه به سال کشته شدن زید در حدود سال ۱۲۱ق، می‌توان جایگاه داود را - که در این ایام حدود بیست سال دارد - کشف کرد. همچنین بر اساس این روایت حداقل برای مدتی داود در مدینه ساکن شده است و اخذ معارف از امام صادق علیه السلام را در این شهر داشته است نه زمانی که امام در کوفه بودند.

همچنین در زمان فوت اسماعیل فرزند ارشد امام صادق علیه السلام در حدود سال ۱۳۵ق. امام بزرگانی را برای مشاهده و شهادت بر مرگ اسماعیل دعوت می‌کند؛ بزرگانی که شاخص در دوران امام باقر و امام صادق علیه السلام هستند؛ مانند زراره، حمران، ابوبصیر، مفضل و... یکی از این افراد داود رقی است.^{۳۴}

پس از شهادت امام صادق علیه السلام - که بسیاری از بزرگان شیعه، مانند مؤمن طاق و هشام بن سالم امام هفتم را نمی‌شناختند^{۳۵} و افرادی همانند زراره مأمور به تقیه بودند^{۳۶} - داود رقی با امامت امام کاظم علیه السلام آشنا بود؛ تا جایی که بیان می‌کند حتی یک لحظه در امامت امام کاظم علیه السلام شک نکرده است.^{۳۷}

چنان‌که خواهد آمد اکثریت روایت‌های داود رقی از امام صادق علیه السلام است. از گزارش‌ها و روایت‌ها در مورد داود رقی در این دوران تحلیل بیشتری برداشت نمی‌شود.

ب. رقی در دوران امام کاظم علیه السلام

رقی در اوج قدرت خلیفه منصور عباسی و شهادت امام صادق علیه السلام - که منجر به انحراف فطحیه و اوج‌گیری اسماعیلیه شد - باورمند به امامت امام کاظم علیه السلام بود و حتی یک لحظه

۳۲. رک: الإجتهد والتقلید، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳۳. رک: الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۳۴. رک: الغیبه (نعمانی)، ص ۳۲۷، ح ۸.

۳۵. رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۷.

۳۶. رک: کمال الدین، ج ۱، ص ۷۵.

۳۷. رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲، ح ۶.

نیز در امامت ایشان تردید نداشت.^{۳۸}

هر چند نجاشی و شیخ طوسی تصریح به روایت‌گری داود از امام کاظم علیه السلام دارند، ولی تعداد روایت‌های رقی از امام کاظم علیه السلام بسیار اندک است. آنچه در میان روایت‌های اندک رقی در این دوران خودنمایی می‌کند، وصایت امام کاظم علیه السلام در مورد امام رضا علیه السلام است؛ داود رقی نقل می‌کند.

به امام کاظم علیه السلام عرضه داشتم: قربانت گردم، من پیرشده‌ام، مرا از آتش رهایی بخشید [جانشین خود را به من معرفی کنید]؛ حضرت با دست اشاره به پسرشان امام رضا علیه السلام کردند و فرمودند: این پس از من صاحب [امام] شماست.^{۳۹}

بنا بر روایتی دیگر، رقی پس از گذشت سی سال از امامت امام کاظم علیه السلام این سؤال را از امام کاظم علیه السلام پرسید و در امامت امام رضا علیه السلام نیز لحظه‌ای دچار تردید نشده است.^{۴۰} همچنین داود رقی در سال ۱۷۹ - که امام کاظم علیه السلام در بصره زندانی بودند - به بصره سفر کرده و حدیث گفته است.^{۴۱} در این مورد نیز اطلاعات بیشتری وجود ندارد.

ج. رقی در دوران امام رضا علیه السلام

روایت‌های رقی از امام رضا علیه السلام نیز اندک است؛ هر چند اعتقاد رقی به امامت امام رضا علیه السلام ثبت شده است و اشاره‌ای به شک و وقف نشده است.^{۴۲} بنا بر نقل *قرب الاسناد* رقی در این دوران زندانی می‌شود و برای رهایی از بند در مکاتبه‌ای از امام رضا علیه السلام درخواست دعا می‌کند و امام در حق رقی و خلاصی او از زندان دعا می‌کند.^{۴۳} از روایات نکته دیگری درباره این دوران برداشت نمی‌شود.

سوم: توثیق و تضعیف

رجالیان در توثیق و تضعیف رقی یک نظر نیستند. با توجه به نظر نجاشی مبنی بر غالی

۳۸. رک: همان.

۳۹. الکافی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۳.

۴۰. رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲، ح ۶.

۴۱. رک: رجال النجاشی، ص ۳۳۶، ش ۸۹۹.

۴۲. رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲، ح ۶.

۴۳. رک: قرب الاسناد، ص ۳۹۴، ح ۱۳۸۴.

دانستن رقی، دودیدگاه متفاوت از سوی رجالیان گزارش شده است. در این فصل ابتدا ادله توثیق و تضعیف بیان شده و در انتها به جمع بندی آن پرداخته می شود.

الف. توثیق رقی

شیخ طوسی در رجال با تعبیر «ثقة»^{۴۴} و شیخ مفید در باب نص بر امامت امام رضا علیه السلام در الارشاد با تعبیر اهل فضل و ورع و از خواص امام رضا علیه السلام تصریح به توثیق وی کرده اند. همچنین از عبارت کشی،^{۴۶} شیخ صدوق^{۴۷} و ابن فضال^{۴۸} وثاقت داود رقی برداشت دانشیانی همانند: علامه حلی،^{۴۹} مازندرانی،^{۵۰} بروجردی،^{۵۱} حاجی نوری،^{۵۲} مامقانی،^{۵۳} نمازی^{۵۴} و برخی دیگر^{۵۵} رقی را ثقه و روایات منقول او را قابل عمل می دانند. رجالیان در شرح حال رقی دلایل، قراین و شواهد چندگانه ای را در وثاقت و اعتماد او یادآور شده اند. این دلایل عبارت اند از:

۱. روایات دال بر مدح

سه روایت در مدح رقی نقل شده است. روایت اول. امام صادق علیه السلام رابطه او با خودشان را همانند رابطه مقداد با پیامبر صلی الله علیه و آله تشبیه کرده اند.^{۵۶} این روایت در قسمت دوم گذشت.

-
۴۴. رک: ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳ «داود بن کثیر الرقی مولی بنی اُسد ثقة».
۴۵. رک: ص ۳۰۴: «مِنْ خَاصَّتِهِ وَ ثِقَاتِهِ وَ أَهْلِ الْوَرَعِ وَ الْعِلْمِ وَ الْفِقْهِ مِنْ شِيعَتِهِ دَاوُدُ بْنُ كَثِيرِ الرَّقِيِّ».
۴۶. رک: رجال الکشی، ص ۴۷۰، ش ۷۶۵.
۴۷. رک: کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴ ص ۴۹۵، المشیخة.
۴۸. رک: رجال ابن داود، ص ۱۴۶، ش ۵۸۴.
۴۹. رک: خلاصة الاقوال، ص ۶۷، ش ۱.
۵۰. رک: منتهی المقال، ج ۳، ص ۲۰۹.
۵۱. رک: طرائف المقال، ج ۱، ص ۴۵۷، ش ۳۹۵۳.
۵۲. رک: خاتمة المستدرک، ج ۴، ص ۲۷۹.
۵۳. رک: تنقیح المقال، ج ۲۶ ص ۲۶۷، ش ۷۸۶۵.
۵۴. رک: مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۶۵، ش ۵۴۸۳.
۵۵. رک: جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۰۷، ش ۲۴۵۰: تهذیب المقال، ج ۵، ص ۴۳۱، ش ۴۱۰؛ شعب المقال، ص ۱۸۰، ش ۶۲ و غیره.
۵۶. رجال الکشی، ص ۴۶۵، ش ۷۵۰.

شیخ صدوق نیز این روایت را به صورت مرسل در مشیخه نقل کرده است.^{۵۷} در کتاب الاختصاص نیز نقل شده است.^{۵۸}

سند این روایت در رجال الکشی مرسل است، همچنین شیخ صدوق در مشیخه به صورت مرسل این روایت را نقل کرده است و سند کتاب الاختصاص هر چند صحیح است، ولی نسبت کتاب به شیخ مفید مورد پذیرش نیست.

روایت دوم. امام صادق علیه السلام رقی را یکی از اصحاب امام زمان علیه السلام شمرده‌اند.^{۵۹} این روایت نیز مرسل است.

روایت سوم. در روایت امام صادق علیه السلام به داود دستور کتمان اسرار اهل بیت علیهم السلام را می‌دهند که نشان دهنده جایگاه داود نزد ایشان است.^{۶۰} هر چند راوی این روایت خود رقی است، ولی توسط دیگران نیز نقل شده و از جهت سندی مشکلی ندارد. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که به حدیث گویی از ما مشهور شدی، آن را انکار کن.^{۶۱}

این روایت نیز مرسل است.

آنچه این دو روایت می‌تواند ثابت کند، جایگاه رقی است، ولی دلالتی بر وثاقت او ندارند. به نظر می‌رسد هر چند در این میان روایت‌های معتبری نیز وجود دارد، ولی این روایت‌ها به تنهایی مثبت وثاقت رقی نیستند؛ هر چند می‌توانند شاهد توثیق داود نزد شیخ صدوق باشند. شیخ صدوق هر چند در مشیخه فقط به ذکر یک روایت به صورت مرسل اکتفا کرده، ولی از آن جهت که آن را نفی نکرده و مضمون آن را پذیرفته است، می‌توان وثاقت داود را نزد او

۵۷. رک: کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۵.

۵۸. رک: الاختصاص، ص ۲۱۱.

۵۹. رجال الکشی، ص ۴۶۵، ش ۷۵۱. در قسمت دوم گذشت.

۶۰. المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۲۸۷ «عن داود الرقی، ومفضل وفضل، قال: کنا جماعة عند ابی عبدالله علیه السلام فی منزله، یحدّثنا فی أشياء، فلما انصرفنا وقف علی باب منزله قبل أن یدخل، ثمّ أقبل علینا، فقال: رحمکم الله، لاتذیعوا أمرنا، ولاتحدّثوا به إلاّ أهله، فإنّ المذیع علینا سرّنا، أشدّ علینا مؤونة من عدوّنا، انصرفوا رحمکم الله، ولا تذیعوا سرّنا».

۶۱. رجال الکشی، ص ۴۷۰، ش ۷۶۵ «الرّقی، قال لی أبو عبدالله علیه السلام: یا داود إذا حدّثت عنا بالحدیث، فاشتهرت به، فأنکره».

مسلم دانست.

۲. تصریح بعضی از دانشیان رجال

دلیل اصلی بر توثیق رقی تصریح برخی دانشیان رجالی متقدم بر وثاقت او است. الف) شیخ طوسی در شمارش اصحاب امام کاظم علیه السلام رقی را از موالیان بنی اسد وثقه شمرده است.^{۶۲}

ب) شیخ مفید تصریح به ورع، علم، تقوا و ثاقت و صاحب سربودن داود رقی دارد. ایشان در هنگام بیان نص بر امامت امام رضا علیه السلام، بزرگان اهل علم و ثقاتی را برمی شمرد که در این باره روایت نقل کرده‌اند و به عنوان اولین فرد از رقی نام می‌برد.^{۶۳}

ج) کشی پس از نقل چند روایت با مضمون غالیانه از رقی، در رد اتهام غلو او می‌گوید:

غالیان داود بن کثیر رقی را یکی از ارکان خود شمرده‌اند و روایاتی منکر با مضمون غلو از او روایت کرده و به او نسبت داده‌اند. من از مشایخ شیعه کسی را نیافتم که او را مورد طعن قرار داده باشد و بر روایاتی به جز آنچه گزارش کردم، دست نیافتم.^{۶۴}

د) توثیق شیخ صدوق که گذشت.

ه) ابن داود به نقل از ابن فضال و ثاقت رقی را نقل می‌کند.^{۶۵}

۳. توثیق عملی

از دلایل توثیق داود بن کثیر رقی می‌توان به روایات اجلا و ثقات امامی از او اشاره کرد. جست‌وجو در سند روایات داود رقی نشان می‌دهد، اکثر گزارش‌گران روایات او از محدثان بزرگ امامی و برخی از آنان از فقیهان (اصحاب اجماع) و از مشایخ ثقات و مورد اعتماد امام بر دین و دنیا به شمار می‌آیند. این نکته نمایان‌گر پذیرش روایات رقی توسط معاصران او است.

برخی از این راویان عبارت‌اند از:

۱. ابان بن عثمان بجلی،

۲. جعفر بن بشیر بجلی،

۶۲. رک: رجال الطوسی، ص ۳۳۶، ش ۵۰۳ «داود بن کثیر الرقی مولی بنی اسد ثقة».

۶۳. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۸.

۶۴. رجال الکشی، ص ۴۷۱، ش ۷۶۶.

۶۵. رک: رجال ابن داود، ص ۱۴۶، ش ۵۸۴ «داود بن کثیر الرقی مولی بنی اسد وثقه الشیخ و الکشی و ابن فضال».

۳. حسن بن محبوب،

۴. حسن بن وثّاء،

۵. زکریا بن آدم قمی،

۶. محمد بن ابی عمیر،

۷. یونس بن عبدالرحمن.

هر چند برخی از این مشایخ فقط یک روایت از رقی دارند، ولی افرادی مانند حسن بن محبوب و زکریا بن آدم - که ناقل کتاب رقی هستند - روایات متعددی از او نقل کرده‌اند. همچنین بنا بر پذیرش توثیق عام ابن ابی عمیر مبنی بر این که فقط از ثقات نقل روایت دارد، نقل یک روایت نیز وثاقت داود را نزد او ثابت می‌کند.

۴. رقی در اسناد تفسیر قمی

از دلایل توثیق رقی واقع شدن وی در اسناد تفسیر قمی است.^{۶۶} با پذیرش این مبنا که راویان تفسیر قمی توثیق عام دارند، وثاقت رقی قابل اثبات خواهد بود.

ب. تضعیف داود رقی

برخی از رجالیان داود بن کثیر رقی را ضعیف دانسته روایات او را قابل اعتماد نمی‌دانند. ابن غضایری،^{۶۷} نجاشی،^{۶۸} شهید ثانی^{۶۹} و آیه الله خویی^{۷۰} از دانشیانی هستند که به تضعیف رقی تصریح کرده‌اند.

۱. تصریح بعضی از دانشیان رجال

الف) نجاشی^{۷۱} در مدخل داود رقی تصریح به ضعف می‌کند.

ب) ابن غضایری^{۷۲} تصریح و تعلیل بر تضعیف رقی دارد.

۶۶. رک: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۰ و ج ۲، ص ۲۹۴.

۶۷. رک: رجال ابن الغضائری، ص ۵۸، ش ۴۶.

۶۸. رک: رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۶۹. رک: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۹۶۸، ش ۱۵۵. شهید ثانی در کتاب مسالک الافهام، ج ۹، ص ۳۰۹ بیان می‌کند که رقی اگر چه در مورد آن بحث است، ولی توثیق او ارجح است؛ چنان که در دانش مربوط به آن بحث شده است. ایشان بر این اساس روایتی را که به آن استناد کرده‌اند، صحیح می‌دانند.

۷۰. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۲۲، ش ۴۴۲۰.

۷۱. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۲. مضامین غالبانه

نجاشی به نقل از احمد بن عبدالواحد بیان می‌کند که در روایت‌های رقی روایت محکم و قابل اعتمادی وجود ندارد؛^{۷۳} چنان‌که ابن غضایری نیز به این موضوع تصریح کرده است.

ج. جمع اقوال

دلیل اصلی بر توثیق داود بن کثیر رقی تصریح شیخ طوسی و شیخ مفید و کلام شیخ صدوق و کشی است در مقابل قول نجاشی، ابن غضایری و احمد بن عبدالواحد قرار دارد. شهید ثانی پس از نقل پذیرش توثیق رقی توسط علامه حلی می‌نویسد:

بنا بر تقدم جرح بر تعديل دليلی بر مقدم داشتن توثیق بر تضعیف نیست؛ به خصوص آن‌که تضعیف کنندگان گروهی هستند که بر توثیق کنندگان برتری دارند.^{۷۴}

همچنین آیه الله خویی مفصل به تعارض این دو دیدگاه پرداخته با توجه به شهادت نجاشی تضعیف رقی را می‌پذیرد.^{۷۵}

نقد و بررسی

در تضعیف داود بن کثیر رقی چهار نکته مورد توجه تضعیف کنندگان قرار دارد، در ادامه هر کدام جداگانه تحلیل شود.

۱. تضعیف نجاشی و ابن غضایری

نجاشی پس ذکر تضعیف رقی دو نکته را به عنوان تعلیل تضعیف ذکر می‌کند: نخست، آن‌که غالبان از او روایت کرده‌اند و دوم، به نقل از احمد بن عبدالواحد روایت استوار و قابل پذیرش او اندک است:

ضعیف جدا والغلاة تروی عنه. قال أحمد بن عبد الواحد: قل ما رأيت له حديثا سديدا.

همچنین ابن غضایری پس از بیان فساد مذهب به تضعیف داود می‌پردازد:

۷۲. رجال ابن غضائری، ص ۵۸، ش ۱.

۷۳. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۷۴. رک: رسائل الشهيد الثاني، ج ۲، ص ۹۶۸، ش ۱۵۵.

۷۵. رک: معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۱۲۲، ش ۴۴۲۰.

كان فاسد المذهب ضعيف الرواية لا يلتفت إليه.

به نظر، منشأ تضعیف نزد نجاشی و ابن غضایری فساد مذهب و یا همان غلو است. همچنین به نظر می‌رسد اتهام غلو در حق وی به حدی فراگیر بوده که کشتی به مطالبی که غالیان در مورد او می‌گویند، اشاره می‌کند و با این بیان که بزرگان شیعه او را غالی نمی‌دانند و روایت غالیانه‌ای ندارد، از او دفاع می‌کند.^{۷۶} برای این اساس، اگر برائت رقی از اتهام به غلو و فساد مذهب ثابت شود، تضعیف نجاشی و ابن غضایری بی‌اساس خواهد بود.

۲. غلو و فساد مذهب

اتهام اصلی رقی غلو در کلام نجاشی و فساد مذهب در کلام ابن غضایری است. در اینجا توجه به چند نکته مهم است: نخست. مراد از فساد مذهب در کلام ابن غضایری همان غلو است و اتهام دیگری متوجه داود رقی نیست.

دوم. بعضی دانشیان احتمال داده‌اند که منشأ غلو در کلام نجاشی کلام ابن غضایری است.^{۷۷} و تضعیفات ابن غضایری - که مبتنی بر غلو راویان است - قابل اطمینان نیست. ابن غضایری به دلیل شدت احتیاط در توثیق راویان، با اندک موردی به ضعف راوی حکم می‌کرده است.^{۷۸}

توجه به این نکته لازم است که دلیلی بر اخذ نجاشی از ابن غضایری وجود ندارد و اگر هم چنین باشد، اشکالی بر نجاشی وارد نیست. ابن غضایری از مشایخ نجاشی و استاد در این دانش است و هر زمان ثابت شود که در این دانش نظری دارد، مورد قبول است.^{۷۹} این که ابن غضایری افراط در تضعیف راویان دارد و نجاشی در این مدخل به جهت نقل غالیان از رقی او را غالی خوانده‌اند، صحیح نیست و این را نمی‌توان به نجاشی - که عالم به دانش رجال

۷۶. قال أبو عمرو: يذكر الغلاة أنه من أركانهم وقد يروى عنه المناكير من الغلو وينسب إليهم ولم أسمع أحدا من مشايخ العصابة يطعن فيه ولا عثر من الرواية على شيء غير ما أثبتته في هذا الباب.

۷۷. خاتمه المستدرک، ج ۴، ص ۲۸۴.

۷۸. الرواشح السماوية، ص ۱۱۳.

۷۹. آیه الله خویی نسبت کتاب ابن غضائری را قبول ندارد، ولی در این مدخل به جهت نقل قول ابن غضائری توسط علامه حلی در خلاصه الاقوال انتساب تضعیف به ابن غضائری تمام است.

است - نسبت داد.^{۸۰} نتیجه آن که منشأ کلام نجاشی از ابن غضایری نیست. به نظر می‌رسد میان منشأ تضعیف در نزد نجاشی و ابن غضایری تفاوت وجود دارد. تضعیف ابن غضایری به دلیل فساد مذهب یا همان غلو است، ولی کلام نجاشی اطلاق در تضعیف دارد و نمی‌توان دلیل آن را غلو دانست. بنا بر این، نظر ابن غضایری بر پایه اجتهاد در رجال است و از آنجا که غلودارای مراتبی است که بعضی از قدما در آن سخت‌گیری داشته‌اند، نمی‌توان تضعیف او را پذیرفت.

سوم. اتهام غلو در مورد رقی صحیح نیست. کشی به صراحت اتهام غلو و فساد مذهب او وارد می‌کند. عبارت شیخ مفید نیز نشان دهنده جلالت قدر و جایگاه رقی نزد معصومان است. همچنین هر چند در میان روایت‌های رقی معجزات معصومان علیهم‌السلام بسیار نقل شده است، ولی چنان‌که کشی تصریح کرده است، کسی از قدما بر این مضامین خرده نگرفته است.

چهارم. این‌که غالیان از رقی به عنوان استاد خویش نام می‌برند دلیل بر تضعیف او نیست و چنان‌که کشی گفته است، طعن بر رقی وارد نمی‌شود.

نتیجه آن‌که تضعیف ابن غضایری به دلیل مبتنی بودن بر غلو پذیرفته نیست، ولی تضعیف نجاشی اطلاق دارد.

۳. کمی روایت‌های سدید رقی

دلیل دیگر بر تضعیف رقی سخن احمد بن عبدالواحد است که روایت‌های استوار و قابل اعتماد رقی را اندک می‌داند.

بررسی روایات داود بن کثیر نشان دهنده کثرت روایات وی در حوزه‌های مختلف اسلامی مانند توحید، نبوت، امام‌شناسی، فقه، تفسیر قرآن، اخلاق و... است و نمی‌توان از وی روایتی در فقه یافت که به دلیل طعن در شخصیت رقی مورد رد فقیهان قرار نگرفته باشد.^{۸۱}

۴. مقدم دانستن جرح بر توثیق

نکته چهارم در تضعیف داود رقی بحث از مقدم دانستن تضعیف نجاشی و ابن غضایری

۸۰. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۲۵، ش ۴۴۲۰.

۸۱. رک: تهذیب المقال، ج ۵، ص ۴۴۴. همچنین در بخش چهارم این نوشتار اعتماد فقیهان به روایت‌های رقی خواهد آمد.

بر توثیق شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن فضال و دیگران است. شهید ثانی در تعلیقه‌ای بر کلام علامه حلی که توثیق رقی را پذیرفته می‌نگارد:

بنا بر تقدم جرح بر تعديل، دلیلی بر مقدم داشتن توثیق بر تضعیف نیست؛ به خصوص آن‌که تضعیف کنندگان گروهی هستند که بر توثیق کنندگان برتری دارند.^{۸۲}

بحث از تعارض جرح و تعديل و مقدم دانستن هر کدام از آن‌ها بردیگری از مباحثی است که به صورت مفصل در جای خود بحث شده^{۸۳} و از عهده این نگاشته خارج است؛ ولی تقدیم قول جارح بر معدّل به صورت مطلق قابل پذیرش نیست و جایگاه مستندات توثیق و تضعیف، تعداد توثیق کنندگان و تضعیف کنندگان و مسائلی دیگر را باید در نظر گرفت. گذشت که نجاشی و ابن غضایری دلایلی را برای تضعیف مطرح کرده‌اند که نتیجه آن تضعیف رقی به دلیل غلو و فساد مذهب است و به صورت جزئی به تحلیل این ادعا پرداخته شد.

ابن فضال، شیخ صدوق، کشی، شیخ مفید و شیخ طوسی روایات رقی را پذیرفته‌اند، همچنین بسیاری از اصحاب اجماع مانند ابن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمن، ابان بن عثمان، حسن بن محبوب از او حدیث گزارش کرده‌اند و در مقابل فقط نجاشی و ابن غضایری به صورت مقید به تضعیف رقی پرداخته‌اند.

در نتیجه، نه تنها از جهت کثرت تعداد توثیق کنندگان بیشتر است و نظر شهید ثانی صحیح نیست، بلکه از جهت مستندات نیز دلایل تضعیف کنندگان قابل پذیرش نیست.

جمع بندی

با توجه به بررسی ادله توثیق و تضعیف به نظر می‌رسد رقی به دلیل توثیق مطلق شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق، کشی، ابن فضال و کثرت نقل روایت، ثقه است و تضعیف نجاشی و ابن غضایری و اتهام فساد مذهب وی قابل پذیرش نیست.

۸۲. رک: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۹۶۸، ش ۱۵۵.

۸۳. رک: مشرق الشمسین، ص ۵۰.

د. رقی در نگاه اهل سنت

رجال شناسان اهل سنت به تضعیف و توثیق رقی نپرداخته‌اند. ابن ابی حاتم،^{۸۴} ذهبی،^{۸۵} ابن حجر^{۸۶} و دیگران^{۸۷} رقی را مجهول دانسته‌اند. ابن حبان رقی را در قسمت ثقات ذکر کرده است.^{۸۸} ابن حزم از رقی با تعبیر افاضی یاد می‌کند.^{۸۹} گفته شده که اهل کوفه ناقل روایات رقی هستند و اهل سنت از وی روایت نقل نکرده‌اند.^{۹۰} از عامه نسایی، در خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام فقط یک روایت از رقی نقل کرده است.^{۹۱}

چهارم: تعامل فقیهان شیعه با روایت‌های رقی

مواجه فقیهان با روایت‌های رقی با دودیدگاه است: نخست. فقیهانی که روایت‌های رقی را پذیرفته‌اند؛ اعم از آن‌که به وثاقت یا ضعف او اشاره کرده باشند. دوم. فقیهانی که روایت‌هایی را به دلیل حضور رقی در سند آن رد کرده‌اند.

دیدگاه نخست: پذیرش روایات

گروهی از فقها در بحث‌های مختلف روایت‌های رقی را بدون اشاره به تضعیف نجاشی نقل کرده‌اند و برخی از آن‌ها این روایت‌ها را صحیح خوانده‌اند. پس از محدثان اولیه و صاحبان کتب اربعه می‌توان از علامه حلی،^{۹۲} شهید اول،^{۹۳} فاضل

۸۴. رک: الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۴۲۳، ش ۱۹۲۸.

۸۵. رک: تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۹۹، ش ۳۸۰؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۴، ش ۱۸۱۵.

۸۶. رک: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹، ش ۲۶۴۳؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۱۲، ش ۲۸۸۴.

۸۷. رک: تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۴۴۲، ش ۱۷۸۳؛ ذیل الکاشف، ص ۹۷، ش ۴۰۶؛ خلاصة تهذیب الکمال، ص ۱۱۰؛ المعنی فی الضعفاء، ج ۱، ص ۳۳۴، ش ۲۰۲۲.

۸۸. به نقل از تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۷۲، ش ۳۸۰.

۸۹. رک: جمهرة الانساب العرب، ص ۳۰۲.

۹۰. رک: تاریخ الرقة، ج ۱، ص ۱۵۰.

۹۱. رک: ص ۷۸ «أخبرنا إسحاق بن موسى بن عبد الله بن يزيد الأنصاري قال: حدثنا داود بن كثير الرقي، عن محمد، عن سعيد بن المنكدر ابن المسيب، عن سعد: أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال لعلي: أنت مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي».

۹۲. رک: مختلف الشيعة، ج ۷، ص ۳۰۸ و ص ۴۸۸؛ منتهی المطلب، ج ۳، ص ۱۶۷.

۹۳. رک: الدرر، ج ۱، ص ۲۸۵؛ ۳۷۲، ۴۲۶، ۴۵۱، ۴۸۸ و ...

مقداد،^{۹۴} محقق کرکی،^{۹۵} شهید ثانی،^{۹۶} محقق اردبیلی،^{۹۷} محمدتقی مجلسی،^{۹۸} محقق سبزواری،^{۹۹} فاضل هندی،^{۱۰۰} عاملی،^{۱۰۱} محدث بحرانی،^{۱۰۲} وحید بهبهانی،^{۱۰۳} میرزای قمی،^{۱۰۴} سید محمد مجاهد،^{۱۰۵} احمد نراقی،^{۱۰۶} سید رضا همدانی،^{۱۰۷} سید محسن حکیم،^{۱۰۸} سید احمد خوانساری،^{۱۰۹} میرزا محمد تقی آملی،^{۱۱۰} امام خمینی^{۱۱۱} و سید عبدالاعلی سبزواری^{۱۱۲} نام برد.

ب. دیدگاه دوم: مخالفان اعتبار روایت رقی

این گروه از فقها با روایت‌های رقی به دلیل تضعیف نجاشی مخالفت کرده‌اند. از جمله این فقیهان می‌توان محقق حلی،^{۱۱۳} محمد بن علی موسوی عاملی،^{۱۱۴} حسن بن زین الدین

۹۴. رک: التنقیح الرائع، ج ۳، ص ۲۷۵.
۹۵. رک: جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۴۰ و ج ۱۲، ص ۲۰.
۹۶. رک: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۸۰؛ ج ۷، ص ۳۰؛ ج ۸، ص ۴۲۸ و ج ۹، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.
۹۷. رک: مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ج ۴، ص ۳۵۲؛ ج ۷، ص ۲۳۴ و ص ۳۲۰؛ زیادة البيان، ص ۲۴۵.
۹۸. رک: روضة المتقين، ج ۴، ص ۳۸۶؛ ج ۵، ص ۳۷۷ و ج ۶، ص ۴۳۹.
۹۹. رک: کفایة الاحکام، ج ۲، ص ۸۷۷.
۱۰۰. رک: کشف اللثام، ج ۶، ص ۱۰۳، ۱۵۴ و ۳۱۲ و ج ۸، ص ۱۴۰.
۱۰۱. رک: مفتاح الکرامة، ج ۹، ص ۲۱۲.
۱۰۲. رک: حدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۳۲۵؛ ج ۲۱، ص ۱۴؛ ج ۲۵، ص ۵۱۹؛ الانوار اللوامع، ج ۱۰، ص ۱۶۵؛ ج ۱۲، ص ۳۹۱.
۱۰۳. رک: مصابیح الظلام، ج ۴، ص ۲۳۶ و ۴۳۲؛ الرسائل الفقهية، ص ۱۳۰.
۱۰۴. رک: غنائم الايام، ج ۱، ص ۳۸۵؛ ج ۶، ص ۱۰۳.
۱۰۵. رک: المناهل، ص ۱۲۲ و ۲۶۲.
۱۰۶. رک: عوائد الايام، ص ۱۱۸، ۱۱۶ و ۶۲۷.
۱۰۷. رک: مصباح الفقيه، ج ۶، ص ۹۵ و ۲۳۰ و ج ۱۲، ص ۳۵۰.
۱۰۸. رک: مستمسک العروة الوثقی، ج ۴، ص ۲۹۸ و ۳۲۸.
۱۰۹. رک: جامع المدارک، ج ۴، ص ۵۷۵.
۱۱۰. رک: مصباح الهدی، ج ۳، ص ۲۰۷؛ ج ۷، ص ۱۴۰ و ۱۶۳.
۱۱۱. رک: کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۶۰، ۹۵ و ۳۳۴.
۱۱۲. رک: مهذب الاحکام، ج ۴، ص ۳۲۵؛ ج ۶، ص ۲۷۵؛ ج ۱۳، ص ۳۲۴.
۱۱۳. رک: المعتمدين، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ج ۲، ص ۳۷۳.
۱۱۴. رک: مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۲۶۳؛ ج ۷، ص ۴۳۷؛ ج ۸، ص ۶۱.

عاملی،^{۱۱۵} محقق سبزواری،^{۱۱۶} شیخ محمد بن حسن،^{۱۱۷} میرسید احمد بن زین العابدین،^{۱۱۸} محمد حسن نجفی،^{۱۱۹} محقق خواجه‌جویی،^{۱۲۰} محقق داماد^{۱۲۱} و ابوالقاسم خوبی^{۱۲۲} را نام برد.

ج. تحلیل و جمع‌بندی

تعامل فقها با روایت‌های فقهی رقی در پرتو توجه به نکات زیر تحلیل می‌شود. نخست. در نرم افزار درایة النور در دامنه کتب اربعه ۸۸ سند برای داود نمایش داده می‌شود که از میان این اسناد ۲۴ روایت بدون تکرار مضمون فقهی دارند. بقیه این روایت‌ها یا فقهی نیستند و یا این‌که در چند کتاب تکرار شده‌اند.

دوم. از این ۲۴ روایت، ۱۱ روایت به مستحبات پرداخته‌اند و ۱۳ روایت (۳۶ سند از ۸۸ سند) دارای حکم و جوب و یا حرمت هستند.

سوم. از این ۱۳ روایت، هشت روایت به دلیل داشتن مؤید مورد پذیرش اکثر فقها هستند. هفت روایت آن از جهت سندی مشکل ندارند^{۱۲۳} و یک روایت از ناحیه راوی دیگری ضعیف

۱۱۵. رک: معالم‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۵.

۱۱۶. رک: ذخیره‌المعاد، ج ۲، ص ۴۸۲ و ۶۶۰.

۱۱۷. رک: استقصاء‌الاعتبار، ج ۳، ص ۸۲ و ۲۹۵.

۱۱۸. رک: مناهج‌الاخیار، ج ۳، ص ۶۵۷ و ۶۵۹.

۱۱۹. رک: جواهر‌الکلام، ج ۵، ص ۷۸.

۱۲۰. رک: الرسائل‌الفقهیة، ج ۲، ص ۳۳۱ و ۳۳۲.

۱۲۱. رک: کتاب‌الحج، ج ۳، ص ۹۳؛ کتاب‌الخمس، ص ۱۹۵.

۱۲۲. رک: الموسوعة‌الامام‌الخوئی، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ج ۱۴، ص ۳۸ و ج ۲۸، ص ۳۱۴.

۱۲۳. رک: یک. الکافی، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۳؛ دو. همان، ج ۶، ص ۴۶، ح ۵ (همچنین رک: تهذیب‌الاحکام، ج ۸، ص ۲۰۷، ح ۷۳۰؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۱۱۴۲)؛ سه. الکافی، ج ۶، ص ۱۸۲، ح ۸ (همچنین رک: تهذیب‌الاحکام، ج ۷، ص ۴۸۳، ح ۱۹۴۱؛ ج ۸، ص ۱۵۶، ح ۵۴۲؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۴۹، ح ۱۲۴۷)؛ چهار. الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۱ (همچنین رک: تهذیب‌الاحکام، ج ۹، ص ۴۸، ح ۲۰۲؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۷۸، ح ۲۸۹)؛ پنج. الکافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۲ (همچنین رک: تهذیب‌الاحکام، ج ۹، ص ۴۹، ح ۲۰۴؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۷۹، ح ۲۹۱؛ کتاب‌من‌لا‌یحضره‌الفقیه، ج ۳، ص ۳۳۸، ح ۴۱۹۹)؛ شش. کتاب‌من‌لا‌یحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۲۵، ح ۱۶۶۲ (سند بنا بر مشیخه صحیح است). همچنین رک: تهذیب‌الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۸، ح ۳۸۸؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۵۹، ح ۱۹۳) و هفت. کتاب‌من‌لا‌یحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۴۹۱، ح ۳۰۴۹ (سند بنا بر مشیخه صحیح است). همچنین رک: الکافی، ج ۴، ص ۴۹۲، ح ۱۷).

است.^{۱۲۴}

چهارم. در این میان دوروایت هر چند صحیح‌السند هستند،^{۱۲۵} ولی محتوای شاذی دارند که فقها آن را نپذیرفته‌اند.

پنجم. یک روایت هر چند مؤیدی نیز دارد، ولی به دلیل آن که در سندش راوی ضعیف دیگری وجود دارد و معارض آن قوی‌تر است، مورد فتوا قرار نگرفته است.^{۱۲۶}

ششم. دوروایت در این مجموعه معارض دارند: یکی صحیح‌السند^{۱۲۷} و دیگری یک راوی مجهول دارد.^{۱۲۸} فقهایی که توثیق رقی را پذیرفته‌اند، به این دوروایت فتوا داده‌اند و فقیهانی که رقی را ضعیف می‌دانند، به معارض آن عمل کرده‌اند.

با عنایت به نکات فوق فارغ از وثاقت و یا تضعیف، به نظر می‌رسد که اکثر روایت‌های فقهی رقی به دلیل داشتن قراین خارجی مورد پذیرش فقها قرار گرفته است و در موارد دیگر نیز به دلیل قوت معارض روایت‌های او مورد مناقشه است و شاید دلیل کثرت فقیهان موافق روایت‌های رقی نسبت به فقیهان دسته دوم همین نکته باشد.

پنجم: تألیف‌ها

نجاشی دو کتاب و شیخ طوسی یک اصل را در زمره تألیفات رقی ذکر کرده‌اند و هر کدام طریق جداگانه‌ای بیان کرده‌اند. همچنین شیخ صدوق در مشیخه، طریق مخصوصی به کتاب او دارد.

الف. طریق نجاشی

نجاشی^{۱۲۹} دو کتاب به نام‌های المزار والاهیله برای رقی نام می‌برد، ولی فقط طریق به

۱۲۴. رک: تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۷۱، ح ۲۹۹ (همچنین رک: الاستبصار، ج ۴، ص ۸۷، ح ۳۳۱).

۱۲۵. رک: یک. الکافی، ج ۴، ص ۴۷۶، ح ۱ (همچنین رک: تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۵، ح ۱۰۰۰ و ج ۵، ص ۴۸۰، ح ۱۷۰۵؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۱۰۹۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۲۹۹۶)؛ دو. الکافی، ج ۴، ص ۳۸۵، ح ۲ (همچنین رک: تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۸۰۰ و ج ۵، ص ۴۸۱، ح ۱۷۱۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۷۲۴).

۱۲۶. رک: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۳۳، ح ۱۰۴۷.

۱۲۷. رک: الکافی، ج ۳، ص ۶۴، ح ۶. همچنین رک: تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۵۳۶.

۱۲۸. رک: تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۷۷۷. همچنین رک: الاستبصار، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۶۵۸.

۱۲۹. برای اطلاع از ارزش طرح طرق و اسناد به صورت فهرستی رک: کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعیه:

کتاب المزار را یادآور می‌شود.

أخبرنا ابو الحسن بن الجندی، قال: حدّثنا أبو علی بن همام، قال: حدّثنا الحسين بن احمد المالکی، قال: حدّثنا محمد ابن الولید المعروف بشباب الصیرفی الرقی، عن أبيه، عن داود، به. ۱۳۰

ب. طریق شیخ طوسی

شیخ طوسی در مدخل رقی او را صاحب اصل می‌شمارد و طریق خود به این اصل را معلق بر اسناد فهرست می‌کند.

له اصل، رویناه بالإسناد، عن ابن ابی عمیر عن الحسن بن محبوب، عنه. ۱۳۱

ج. طریق شیخ صدوق

شیخ صدوق، چنان‌که در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه یادآور شده، روایات آن را از کتب و اصول مشهور و معتبر نقل کرده است. بر این اساس، طریقی که در مشیخه نقل می‌کند به کتاب و یا اصل رقی است؛ هرچند در آنجا بیان نکرده است که طریق به روایت‌ها است یا طریق به کتاب و یا اصل.

وما کان فیه عن داود الرقی فقد رویته عن الحسين بن أحمد بن ادریس - رضی الله عنه - عن أبيه، عن محمد بن احمد بن عبدالله بن احمد الرازی، عن حریز بن صالح، عن إسماعیل بن مهران، عن زکریّا بن آدم، عن داود بن کثیر الرقی. ۱۳۲

نشتم. طریق‌ها

رقی در کتب اربعه بدون لحاظ کتاب الاستبصار در ۷۹ سند قرار دارد. در مجموع ۶۱ سند آن به امام صادق علیه السلام، هفت سند به امام کاظم علیه السلام و یک روایت به امام رضا علیه السلام می‌رسد. در

روش، تحلیل، نمونه، نوشته محمد عمادی حائری و مقاله آقای حسین عزیزپور با عنوان «اعتبارسنجی احادیث به روش «تحلیل فهرستی» کاربردها و خصائص» انتشار یافته در کتاب مجموعه مقالات بازساخت مبانی اصالت میراثی حدیث شیعه.

۱۳۰. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰.

۱۳۱. الفهرست، ص ۱۸۳، ش ۲۸۱. طریق شیخ طوسی به ابن ابی عمیر: «أبو المفضل، عن ابن بطه، عن أحمد بن

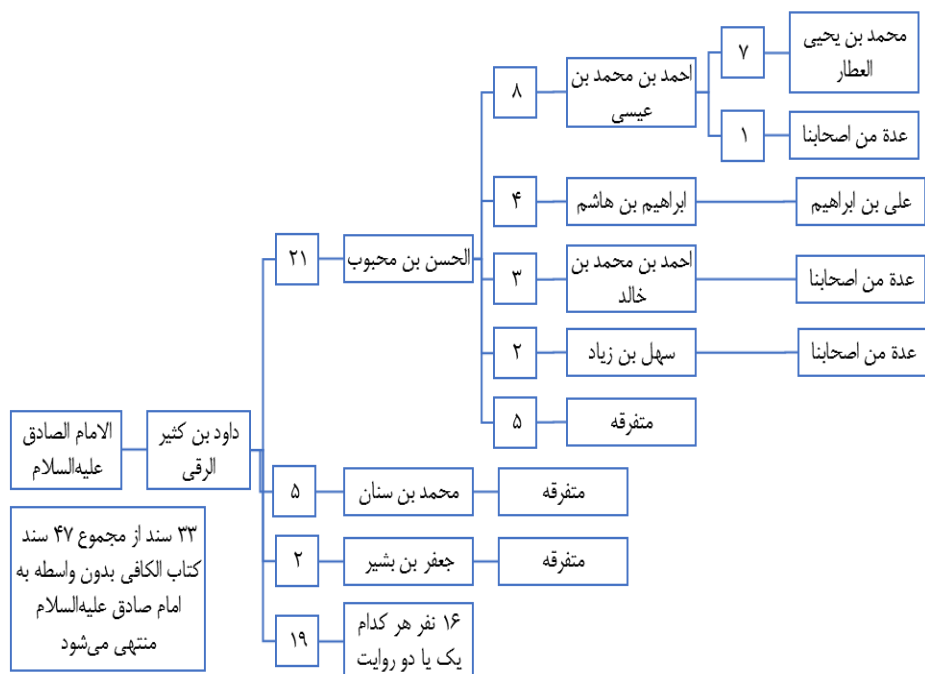
محمد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر» است. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۲۶، ش ۴۴۲۹.

۳۲ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۴.

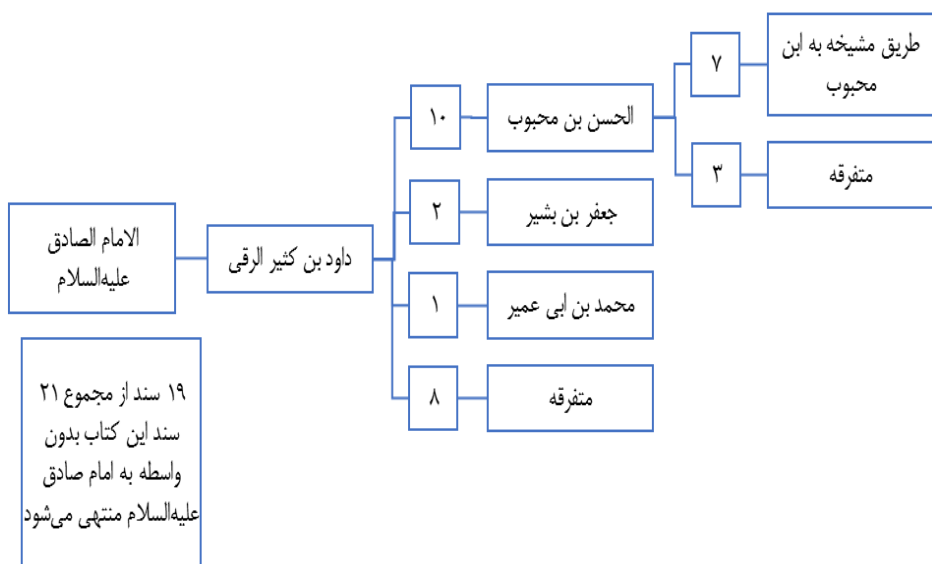
ادامه طرق صاحبان کتب اربعه به احادیث رقی ترسیم شده است. «الحسن بن محبوب» را می‌توان پرکارترین شاگرد رقی دانست. *الکافی* ۲۱ سند، *تهذیب الاحکام* ده سند و *الفقیه* دو سند رقی را به واسطه حسن بن محبوب نقل کرده‌اند. همچنین شیخ طوسی در *الفهرست* اصل رقی را به واسطه حسن بن محبوب نقل می‌کند. پس از حسن بن محبوب نوبت به زکریا بن آدم است که شیخ صدوق هشت روایت را به واسطه او بنا بر مشیخه از رقی نقل کرده است. چنان‌که با مقایسه تصویر شماره یک و دو با تصویر شماره سه دیده می‌شود، طریق شیخ صدوق به داود اختصاصی خود اوست و کلینی و شیخ طوسی از آن استفاده نکرده‌اند.

نتیجه

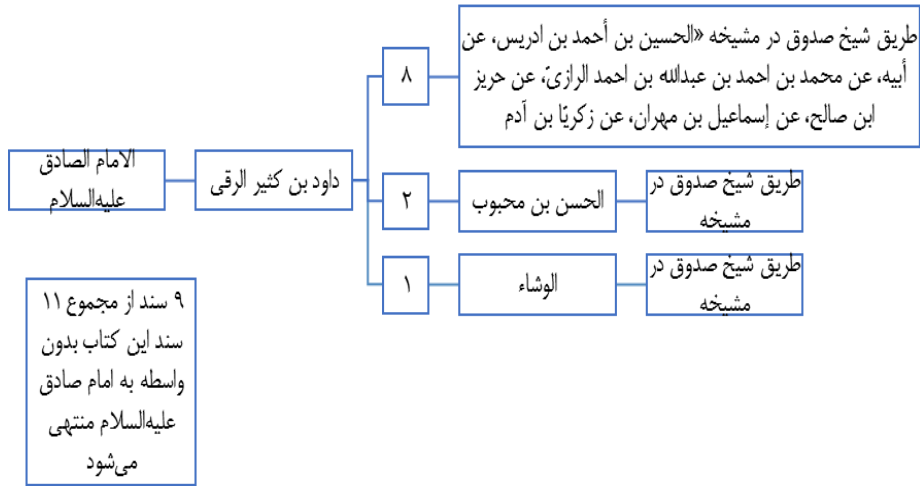
«داود بن کثیر الرقی» در کتب اربعه در ۸۸ سند قرار دارد که ۶۸ مورد آن از امام صادق علیه السلام است. رقی متولد حدود سال صد قمری و متوفای حدود ۲۰۳ ق، است و محضر سه امام صادق، کاظم و رضا علیهم السلام را درک کرده است. کتاب‌های رجالی و تراجم به زندگی نامه او پرداخته‌اند، ولی از خلال روایات می‌توان تا حدودی با جایگاه او آشنا شد. در توثیق و تضعیف رقی میان دانشیان اختلاف وجود دارد. در دسته موافقان از قدما شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق، کشی و ابن فضال قرار دارند و در دسته تضعیف‌کنندگان نجاشی و ابن غضائری مطرح هستند. مهم‌ترین اتهام رقی غلو است که اثبات آن دشوار است و توثیق‌کنندگان برتری نفری بر جارحان دارند. عموم فقیهان روایت‌های رقی را پذیرفته‌اند و می‌توان برای بسیاری از روایت‌های وی شاهد روایی یافت. پرکارترین شاگرد رقی، حسن بن محبوب است که در طریق شیخ طوسی در *فهرست* به کتاب رقی قرار دارد.



تصویر نخست. طریق کلینی به روایت های رقی



تصویر دوم. طریق شیخ طوسی در تهذیب الاحکام به روایت های رقی



تصویر سوم. طریق شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه به روایت های رقی

کتابنامه

- الإجتهد والتقلید فی علم الرجال وأثره فی التراث العقائدی، محمد سند، به قلم: حسن کاشانی، محمد آل مکباس، مجتبی اسکندری، قم: مکتبه الفدک، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
- الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان، محقق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، محمد بن حسن طوسی، محقق: حسن مصطفوی، چاپ اول، موسسه نشر دانشگاه، مشهد، ۱۴۱۱ش.
- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ق.
- الاستبصار فما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن، طوسی، مصحح: حسن موسوی، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۹۰ق.
- استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، محمد بن حسن ابو جعفر عاملی، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۹ق.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسه بعثت، چاپ اول، دار الثقافه، قم: ۱۴۱۴ق.
- الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، حسین بن محمد، بحرانی آل عصفور، مصحح:

- محسن آل عصفور، چاپ اول، قم: بی تا.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، چاپ دوم، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ الرقة و من نزلها من أصحاب رسول الله ﷺ و التابعین و الفقهاء و المحدثین، حمد بن سعید بن عبد الرحمن قشیری، محقق: ابراهیم صالح، چاپ اول، دار البشائر، بی جا، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، محقق: طیب موسوی جزائری، چاپ سوم، دار الکتب، قم: ۱۴۰۴ق.
- تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، محقق: مصطفی عبد القادر عطا، چاپ سوم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، مقداد بن عبد الله سیوری حلی، مصحح: سید عبد اللطیف حسینی کوه کمری، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ق.
- تنقیح المقال فی علم الرجال، عبد الله مامقانی، مطبعة المرتضویة، افسست از چاپ سنگی. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، محقق و تعلیقه: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، مکتبة الصدوق، تهران: ۱۴۱۷ق.
- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، چاپ اول، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب الکمال، المزی، تحقیق: بشار عواد معروف، چاپ چهارم، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۳۹۷ق.
- تهذیب المقال، محمد علی موحد ابطحی، چاپ دوم، فرزند مؤلف، قم: ۱۴۱۷ق.
- جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد، محمد بن علی اردبیلی، دار الأضواء، بیروت.
- جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، سید احمد بن یوسف خوانساری، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، قم: ۱۴۰۵ق.
- جامع المقاصد، علی بن حسین عاملی کرکی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۴ق.
- الجرح و التعذیل، ابن ابی حاتم رازی، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۱ق.

- جمهره انساب العرب، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید بن حزم اندلسی، تحقیق: گروهی از علما، چاپ اول، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- جواهر الکلام، محمد حسین نجفی، مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی آل عصفور، محقق: محمد تقی ایروانی و سید عبد الرزاق مقرم، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۰۵ق.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، ناشناخته، محقق: یوسف الهادی، چاپ اول، دار الثقافیة للنشر، قاهره، ۱۴۲۳ق.
- خصائص امیرالمؤمنین عليه السلام، احمد بن شعيب بن علی بن بحر نسایی، محقق: محمد هادی آمینی، مکتبه نینوی الحدیثه، تهران: بی تا.
- خلاصة الأقوال، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه نشر اسلامی، قم: ۱۴۱۷ق.
- خلاصة تذهیب تهذیب الكمال، خزر جی أنصاری یمنی، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، چاپ چهارم، دار البشائر الإسلامیة، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- الدروس الشرعیة، محمد بن مکی عاملی، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۱۷ق.
- ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد، محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواری، چاپ اول، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم: ۱۲۴۷ق.
- ذیل الکاشف، أحمد بن عبد الرحيم أبوزرعة عراقی، محقق: بوران الضناوی، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ق.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن الحسن ابن الغضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، چاپ اول، دارالحدیث، قم: ۱۴۲۲ق.
- رجال ابن داود، حسن بن علی ابن داود، محقق: محمد صادق بحر العلوم، چاپ اول، حیدریة، نجف، بی تا.
- رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، محقق: محمدرضا قیومی، چاپ اول، نشر اسلامی، قم: ۱۴۲۰ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، محقق: محمدرضا قیومی، چاپ

- اول، نشر اسلامی، قم: ۱۴۲۰ق.
- رجال النجاشی (الفهرست)، احمد بن علی نجاشی، چاپ ششم، جامعه مدرسین، قم: ۱۳۶۵ش.
- رسائل الشهيد الثاني، زين الدين بن علي عاملي، محقق: رضا مختاری و حسن شفیعی، چاپ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۲۱ق.
- الرسائل الفقهية، اسماعيل بن محمد حسين خواجهي، چاپ اول، دار الكتاب الإسلامي، قم: ۱۴۱۱ق.
- الرسائل الفقهية، محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی، چاپ اول، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، قم: ۱۴۱۹ق.
- الرواشح السماوية، محمد باقر حسینی استرآبادی، محقق: غلامحسین قیصریه‌ها و نعمة الله جلیلی، چاپ اول، دار الحديث، قم: ۱۴۲۲ق.
- روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، محقق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم: ۱۴۰۶ق.
- زبدة البیان فی أحكام القرآن، احمد بن محمد اردبیلی، محقق: محمد باقر بهبودی، چاپ اول، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران: بی تا.
- شعب المقال فی درجات الرجال، ابوالقاسم بن محمد نراقی، محقق: محسن احمدی، چاپ دوم، کنگره بزرگداشت محققان ملامهدی و ملااحمد نراقی، قم: ۱۴۲۲ق.
- طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، محمد شفیع جابلقی بروجردی، تحقیق: سید مهدی رجایی، چاپ اول، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، قم: ۱۴۱۰ق.
- عوائد الايام، احمد بن محمد مهدی نراقی، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۴۱۷ق.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، محقق: مهدی لاجوردی، چاپ اول، نشر جهان، تهران: ۱۳۷۸ق.
- غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام، ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی (میرزای قمی)، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۷ق.
- الغيبة، ابن ابی زینب نعمانی، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، نشر صدوق، تهران: ۱۳۹۷ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، چاپ اول، ستاره، قم: ۱۴۲۰ق.

- قرب الاسناد، عبد الله جعفر حمیری، تحقیق: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۱۳ق.
- الكافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران: سال ۱۴۰۷ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، محقق: عبد الحسین امینی، چاپ اول، دارالمرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ش.
- کتاب الحج محقق داماد، سید محمد محقق داماد یزدی، مقرر: عبد الله جوادی آملی، چاپ اول، چاپخانه مهر، قم: ۱۴۰۱ق.
- کتاب الخمس محقق داماد، سید محمد محقق داماد، یزدی، مقرر: عبد الله جوادی آملی، مصحح: حسین آزادی، چاپ اول، دار الإسرائء للنشر، قم: ۱۴۱۸ق.
- کتاب الطهارة امام خمینی، سید روح الله موسوی خمینی، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران: ۱۴۲۱ق.
- کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۳ق.
- کشف اللثام، محمد بن حسن اصفهانی، تحقیق: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۶ق.
- کفایه الاحکام، محمد باقر بن محمد مومن سبزواری، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۲۳ق.
- کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه، محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، اسلامیة، تهران: ۱۳۹۵ق.
- لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، چاپ سوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
- مجمع الفوائد والبرهان فی شرح ارشاد الازهان، احمد بن محمد اردبیلی، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۳ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، محقق: سید جلال الدین حسینی، چاپ دوم، دارالکتب السلامیه، تهران: ۱۳۷۰ش.
- مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، تحقیق: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۳ق.

- مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، محمد بن علی موسوی عاملی، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- مسالك الافهام، زین الدین بن علی عاملی، چاپ اول، تحقیق، مؤسسه المعارف الإسلامية.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، مؤسسه آل البيت، قم: ۱۴۰۸ق
- مستدرکات علم رجال الحديث، علی نمازی شاهرودی، چاپ اول، فرزند مولف، تهران: ۱۴۱۴ق.
- مستمسک العروة الوثقی، سید محسن طباطبایی حکیم، چاپ اول، مؤسسه دارالتفسیر، قم: ۱۴۱۶ق.
- مشرق الشمسين و إکسیر السعادتین مع تعلیقات الخواجوی، محمد بن حسین عاملی، بهاء الدین، شارح: اسماعیل بن محمد حسین خواجوی، محقق: سید مهدی رجائی، چاپ دوم، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱۴۱۴ق.
- مصابیح الظلام، محمد باقر بن محمد اکمل، بهبهانی، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی، چاپ اول، مؤسسه العلامة المجدّد الوحید البهبهانی، قم: ۱۴۲۴ق.
- مصباح الفقیه، آقا رضا بن محمد هادی همدانی، تحقیق: گروهی از محققان، چاپ اول، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، قم: ۱۴۱۶ق.
- مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، میرزا محمد تقی آملی، چاپ اول، مؤلف، تهران: ۱۳۸۰ق.
- معالم الدین و ملاذ المجتهدین، جمال الدین حسن بن زین الدین، عاملی، محقق: سید منذر حکیم، چاپ اول، مؤسسه الفقه للطباعة و النشر، قم: ۱۴۱۸ق.
- المعتبر فی شرح المختصر، نجم الدین جعفر بن حسن حلی، مصحح: محمد علی حیدری و سید مهدی شمس الدین، چاپ اول، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم: ۱۴۰۷ق.
- معجم البلدان، شهاب الدین أبی عبد الله یاقوت بن عبد الله حموی، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ق.
- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، سید ابوالقاسم خویی، بی نا، بی جا، بی تا.
- المغنی فی الضعفاء، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، محقق: أبو الزهراء حازم القاضی، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ق.

- مفتاح الكرامہ، سید جواد بن محمد، حسینی عاملی، محقق: محمد باقر خالصی، چاپ اول، جامعہ مدرسین، قم: ۱۴۱۹ق.
- مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، احمد بن عبد العزیز جوهری بصری، مصحح: مهدی هوشمند، چاپ اول، انتشارات طباطبائی، قم: بی تا.
- مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار، میر سید احمد علوی عاملی، چاپ اول، مؤسسہ اسماعیلیان، قم: بی تا.
- المناهل، سید محمد مجاهد طباطبائی حائری، چاپ اول، مؤسسہ آل البيت علیہم السلام، قم: بی تا.
- منتهی المطلب، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، چاپ اول، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ۱۴۱۲ق.
- منتهی المقال فی أحوال الرجال، محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، محقق: مؤسسہ آل البيت علیہم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، مؤسسہ آل البيت علیہم السلام لاحیاء التراث، قم: ۱۴۱۶ق.
- موسوعه الامام الخوئی، سید ابوالقاسم خوئی، چاپ اول، مؤسسہ احیاء آثار الامام الخوئی، قم: ۱۴۱۸ق.
- المہذب البارع فی شرح المختصر النافع، جمال الدین حلی، محقق: مجتبی عراقی، چاپ اول، جامعہ مدرسین، قم: ۱۴۰۷ق.
- میزان الاعتدال، شمس الدین محمد بن احمد ذہبی، محقق: علی محمد البجاوی، چاپ اول، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت، ۱۳۸۲ق.